

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه مازندران
دانشکده علوم اقتصادی و اداری

عنوان: تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی در ایران

The Effect of Fiscal Decentralization on Economic Growth in Iran.

جهت اخذ درجه دکتری
رشته علوم اقتصادی

استاد راهنما
دکتر احمد جعفری صمیمی

اساتید مشاور
دکتر سعید کریمی پتانلار
دکتر غلامرضا کشاورز حداد

نگارش: محمد علیزاده
آبان 1389

تشکر و قدردانی

من لم یشکر المخلوق و لم یشکر الخالق

از استاد ارجمند راهنما، جناب پرفسور احمد جعفری صمیمی که در طول دوره کارشناسی ارشد و بخصوص دوره دکتری، از محضر ایشان بهره‌های فراوانی بردم تقدیر و تشکر می‌نمایم. از اساتید محترم مشاور جناب آقایان دکتر سعید کریمی پتانلار و دکتر غلامرضا کشاورز حداد کمال تشکر را دارم.

از داوران محترم جناب آقای دکتر علیرضا پورفرج و سرکار خانم دکتر زهرا (میلا) علمی از دانشکده علوم اقتصادی و اداری مازندران و نیز جناب آقای دکتر حسین عباسی نژاد از دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و سرکار خانم دکتر مهنوش عبدا... میلانی از دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی که با ارائه نظرات سازنده در تدوین این رساله اینجانب را یاری نموده‌اند، سپاسگزارم.

از جناب آقای دکتر وحیدتقی نژاد عمران به‌عنوان نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی در داوری این رساله و نیز شخصیتی که همواره مشوق اینجانب بوده‌اند مراتب تشکر و قدردانی خود را از ایشان اعلام می‌نمایم.

از اساتید دوره دکتری جناب پرفسور اسمعیل ابونوری و حضرت حجت السلام و المسلمین جناب آقای دکتر محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی تشکر می‌نمایم. از جناب آقایان دکتر خسرو پیرایی و دکتر نورالدین شریفی که در دوره کارشناسی ارشد مطالب علمی و اخلاقی زیادی از ایشان فرا گرفته‌ام، سپاسگزاری می‌نمایم. از همه معلمین و اساتید ارجمندی که از محضرشان بهره بردم تشکر می‌نمایم. برای شادی روح معلمین و اساتیدی که از محضرشان بهره بردم و اکنون در جوار رحمت الهی آرام گرفته‌اند، فاتحه‌ای قرائت می‌کنم. از جناب آقای سیامک بای کارشناس محترم تحصیلات تکمیلی که صادقانه در ارائه خدمات به دانشجویان از هیچ کوششی دریغ ننمودند، تشکر ویژه دارم.

تقدیم به همه آنانی که با تقدیم جان و تثار خون
خود، امنیت و آزادی را در طول تاریخ برای بشریت
به ارمغان آوردند.

تقدیم به پدر عزیز و مادر مهربانم که دعای خیرشان
بدرقه راهم بوده است.

تقدیم به همسر ارجمندم که در ایام تحصیل
صبورانه همراه و مشوق من بوده است.

تقدیم به فرزندان دلبندم یاسمن و امیرمهدی.

چکیده

بررسی تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی در ایران

یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه در کشورهای در حال توسعه مساله رشد اقتصادی است. با توجه به نقش دولت در رشد و توسعه اقتصادی، بررسی عوامل مؤثر بر کارایی بخش عمومی مباحث مهمی را در میان اقتصاددانان مطرح کرده است. یکی از ابزارهای مهم در این زمینه توجه سیاست‌گذاران اقتصادی به تمرکززدایی مالی است. تمرکززدایی مالی در حقیقت به معنی انتقال قدرت تصمیم‌گیری نسبت به ترکیب مخارج و درآمدها از دولت مرکزی به دولت‌های محلی در میان اقتصاددانان مورد توجه قرار گرفته است.

اجرای این سیاست به سبب ایجاد بهبود کارایی در ارائه کالاها و خدمات عمومی محلی که بر اساس سلائق و ترجیحات مناطق مختلف تهیه می‌شود، بر رشد اقتصادی تاثیر خواهد گذاشت. تاکید سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی و نیز برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر تمرکززدایی مالی به عنوان عامل مهم در افزایش رشد اقتصادی، موید این مطلب است.

این رساله تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی را با استفاده از شاخص‌های مختلف و با روش‌های پیشرفته‌ی الگوی غیرخطی با اثرات ثابت برآورد نموده است. نتایج تحقیق که در چارچوب الگوهای رشد درونزا و با استفاده از داده‌های تابلویی طی سال‌های (1379-1386) استان‌های کشور به دست آمده است، نشان می‌دهد که تاثیر شاخص‌های مختلف تمرکززدایی درآمدی در الگوی غیرخطی بر رشد اقتصادی مثبت است. بنابراین با توجه به نتایج این رساله و نیز با توجه به درجه پایین تمرکززدایی مالی، پیشنهاد می‌شود این سیاست در عمل مورد توجه و تاکید بیشتری قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تمرکززدایی مالی، رشد اقتصادی، داده‌های تابلویی، ایران

(1-12)	فصل یک: مقدمه و کلیات تحقیق
2.....	1-1 مقدمه
3.....	2-1 توجیه و ضرورت انجام رساله
6.....	3-1 اهداف تحقیق
7.....	4-1 فرضیه‌های تحقیق
7.....	5-1 روش تحقیق
7.....	1-5-1 روش جمع آوری اطلاعات و داده‌ها
7.....	2-5-1 حدود تحقیق
7.....	3-5-1 تکنیک تحقیق و روش تحلیل داده‌ها
8.....	6-1 تعریف اصطلاحات
8.....	1-6-1 تعریف حکومت واحد و فدرال
8.....	1-1-6-1 حکومت واحد
9.....	2-1-6-1 حکومت فدرال
10.....	6-1-2 تمرکززدایی از دیدگاه حقوقی
10.....	3-6-1 سطوح فعالیت دولت
11.....	1-3-6-1 دولت عمومی
11.....	1-1-3-6-1 دولت مرکزی
11.....	2-1-3-6-1 دولت ایالتی
12.....	3-1-3-6-1 دولت محلی
12.....	7-1 واژگان کلیدی
(13-86)	فصل دو: مروری بر ادبیات موضوع، مبانی نظری و مطالعات انجام شده
14.....	1-2 مقدمه
14.....	2-2 تعریف انواع تمرکززدایی
15.....	1-2-2 تمرکززدایی اداری
16.....	2-2-2 تمرکززدایی سیاسی
16.....	3-2-2 تمرکززدایی اقتصادی
17.....	4-2-2 تمرکززدایی مالی
24.....	3-2 مبانی نظری تمرکززدایی مالی
26.....	4-2 تمرکززدایی مالی و وظائف سطوح مختلف دولت‌ها

27	1-4-2 ثبات اقتصادی.....
28	2-4-2 توزیع مجدد درآمد و ثروت.....
29	3-4-2 تخصیص منابع.....
31	5-2 مزایای تمرکززدایی مالی.....
34	6-2 معایب تمرکززدایی مالی.....
36	7-2 مباحث نظری نقش دولت در فرایند رشد اقتصادی.....
36	1-7-2 نقش دولت در الگوهای نظری رشد.....
36	1-1-7-2 دولت در الگوی رشد نئوکلاسیک.....
37	2-1-7-2 دولت در الگوی رشد درونزا.....
39	2-7-2 الگوهای اقتصاد سیاسی رشد.....
39	3-7-2 الگوهای تجربی رشد.....
41	8-2 مسیرهای تاثیرگذاری تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی.....
41	1-8-2 کارایی اقتصادی و رشد اقتصادی.....
42	2-8-2 فرضیه افزایش بهره‌وری (تولید) و رشد اقتصادی.....
44	3-8-2 فرضیه ترجیحات ناهمگن منطقه‌ای و رشد اقتصادی.....
47	4-8-2 فرضیه محدودیت لویاتان و رشد اقتصادی.....
48	5-8-2 فرضیه استدلال‌های سیاسی و رشد اقتصادی.....
50	9-2 پژوهش‌های انجام گرفته.....
50	1-9-2 پژوهش‌های انجام گرفته در سایر کشورها.....
72	2-9-2 پژوهش‌های انجام گرفته در ایران.....
74	10-2 روند شکل‌گیری تمرکززدایی در ایران.....
74	1-10-2 تمرکززدایی قبل از انقلاب اسلامی.....
76	2-10-2 تمرکززدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی.....
78	1-2-10-2 جایگاه تمرکززدایی مالی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....
78	1-1-2-10-2 قانون برنامه اول توسعه (1368-1372).....
79	2-1-2-10-2 قانون برنامه دوم توسعه (1374-1378).....
81	3-1-2-10-2 قانون برنامه سوم توسعه (1379-1383).....
85	4-1-2-10-2 قانون برنامه چهارم توسعه (1384-1388).....
	فصل سه: معرفی الگو و روش تحقیق (101-87)
88	1-3 مقدمه.....
88	2-3 معرفی الگو.....
97	1-2-3 معرفی متغیرهای مدل.....
99	3-3 برآورد تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی با استفاده از تابع غیرخطی.....
99	1-3-3 برآورد از طریق تابع با کشش جانشینی ثابت (C.E.S) با اثرات ثابت.....

100.....	3-3-1-1 برآورد از طریق تابع کاب داگلاس با اثرات ثابت
(102-134)	فصل چهارم: برآورد الگو، آزمون فرضیه و یافته‌های تحقیق
103.....	4-1 مقدمه
104.....	4-2 ماتریس ضریب همبستگی شاخص‌های تمرکززدایی درآمدی و مخارج
105.....	4-3 برآورد تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی با استفاده از تقریب خطی تابع غیرخطی
105.....	4-3-1 برآورد تقریب خطی تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی با استفاده از ضریب یکسان تمرکززدایی
106.....	4-3-1-1 برآورد تقریب خطی ضریب یکسان تمرکززدایی مالی با استفاده از شاخص درآمدی
106.....	4-3-1-1-1 برآورد تقریب خطی ضریب یکسان با استفاده از شاخص تمرکززدایی درآمدی (FDREV)
108.....	4-3-1-1-2 برآورد تقریب خطی ضریب یکسان با استفاده از شاخص تمرکززدایی درآمدی (FDTREV)
110.....	4-3-1-1-3 برآورد تقریب خطی ضریب یکسان با استفاده از شاخص تمرکززدایی درآمدی (FDDIR)
112.....	4-3-1-2 برآورد تقریب خطی ضریب یکسان تمرکززدایی مالی با استفاده از شاخص مخارج
112.....	4-3-1-2-1 برآورد تقریب خطی ضریب یکسان با استفاده از شاخص تمرکززدایی مخارج (FDTEX)
114.....	4-3-1-2-2 برآورد تقریب خطی ضریب یکسان با استفاده از شاخص تمرکززدایی مخارج (FDEXP)
116.....	4-3-2 برآورد تقریب خطی تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی با استفاده از ضریب متفاوت تمرکززدایی
117.....	4-3-2-1 برآورد تقریب خطی ضریب متفاوت تمرکززدایی مالی با استفاده از شاخص درآمدی
117.....	4-3-2-1-1 برآورد تقریب خطی ضریب متفاوت با استفاده از شاخص تمرکززدایی درآمدی (FDREV)
119.....	4-3-2-1-2 برآورد تقریب خطی ضریب متفاوت با استفاده از شاخص تمرکززدایی درآمدی (FDTREV)
121.....	4-3-2-1-3 برآورد تقریب خطی ضریب متفاوت با استفاده از شاخص تمرکززدایی درآمدی (FDDIR)
123.....	4-3-2-2 برآورد تقریب خطی ضریب متفاوت تمرکززدایی مالی با استفاده از شاخص مخارج
123.....	4-3-2-2-1 برآورد تقریب خطی ضریب متفاوت با استفاده از شاخص مخارج (FDTEX) و (FDEXP)
126.....	4-4 برآورد تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی با استفاده از تابع غیر خطی
126.....	4-4-1 برآورد تاثیر تمرکززدایی درآمد بر رشد اقتصادی با استفاده از توابع غیر خطی
132.....	4-4-2 برآورد تاثیر تمرکززدایی مخارج بر رشد اقتصادی با استفاده از توابع غیر خطی
(135-139)	فصل پنجم: خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادات
136.....	5-1 خلاصه و نتیجه‌گیری
139.....	5-2 پیشنهادات
(140-146)	فهرست منابع و ماخذ
(147-172)	ضمیمه

فهرست جداول:

عنوان	صفحه
جدول (1-3) معرفی و تعریف متغیرهای مستقل.....	98
جدول (2-3) جدول توصیفی داده‌ها.....	101
جدول (1-4) ضریب همبستگی بین شاخص‌های مختلف تمرکززدایی.....	104
جدول (2-4) برآورد تقریب خطی ضریب یکسان با استفاده از شاخص تمرکززدایی درآمدی (FDREV).....	107
جدول (3-4) برآورد تقریب خطی ضریب یکسان با استفاده از شاخص تمرکززدایی درآمدی (FDTREV).....	109
جدول (4-4) برآورد تقریب خطی ضریب یکسان با استفاده از شاخص تمرکززدایی درآمدی (FDDIR).....	111
جدول (5-4) برآورد تقریب خطی ضریب یکسان با استفاده از شاخص تمرکززدایی مخارج (FDTEX).....	113
جدول (6-4) برآورد تقریب خطی ضریب یکسان با استفاده از شاخص تمرکززدایی مخارج (FDEXP).....	115
جدول (7-4) برآورد تقریب خطی ضریب متفاوت با استفاده از شاخص تمرکززدایی درآمدی (FDREV).....	118
جدول (8-4) برآورد تقریب خطی ضریب متفاوت با استفاده از شاخص تمرکززدایی درآمدی (FDTREV).....	120
جدول (9-4) برآورد تقریب خطی ضریب متفاوت با استفاده از شاخص تمرکززدایی درآمدی (FDDIR).....	122
جدول (10-4) برآورد تقریب خطی ضریب متفاوت با استفاده از شاخص تمرکززدایی مخارج (FDTEX).....	124
جدول (11-4) برآورد تقریب خطی ضریب متفاوت با استفاده از شاخص تمرکززدایی مخارج (FDEXP).....	125
جدول (12-4) برآورد ضرایب غیرخطی با اثرات ثابت استانی بوسیله تابع C.E.S شاخص درآمد.....	128
جدول (13-4) برآورد ضرایب غیرخطی با اثرات ثابت استانی بوسیله تابع کابداگلاس.....	131
جدول (14-4) برآورد ضرائب غیرخطی با اثرات ثابت استانی بوسیله تابع C.E.S شاخص مخارج.....	133
جدول (15-4) برآورد غیرخطی ضرائب با اثرات ثابت استانی بوسیله تابع کابداگلاس.....	134
جدول (1) متوسط رده‌بندی استان‌ها از نظر توسعه یافتگی صنعتی و معدنی	148
جدول (2) متوسط تولید ناخالص حقیقی سرانه کل استان‌ها در دوره (1386-1379).....	149
جدول (3) متوسط شاخص‌های تمرکززدایی درآمد استان‌ها در دوره (1386-1379)	150
جدول (4) متوسط شاخص‌های تمرکززدایی مخارج استان‌ها در دوره (1386-1379)	151
جدول (5) خلاصه مطالعات تجربی بررسی رابطه بین تمرکززدایی مالی و رشد اقتصادی.....	166

فصل يك:

مقدمه و كلييات تحقيق

سیاست‌های مختلفی را برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار که هدف مشترک اقتصاد تمام کشورها است، می‌توان اجراء نمود. یکی از این سیاست‌ها، که از دهه 1990 به بعد عزم جدی برای اجرای آن در بیشتر کشورهای در حال توسعه و در حال گذار وجود داشته است¹، سیاست تمرکززدایی مالی است. اجرای این سیاست به‌عنوان موتور رشد اقتصادی محدود به اقتصاد کشورهای در حال توسعه و در حال گذار نیست، بلکه بیشتر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی² به‌عنوان یک سیاست مهم، خود را در فرایند اتخاذ و اجرای آن وارد نموده‌اند و این سیاست را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

رشد اقتصادی به دودلیل حائز اهمیت است: اول آن که رشد اقتصادی اغلب به‌عنوان هدف اصلی تمرکززدایی مالی ذکر می‌شود.³ دستیابی به رشد اقتصادی نیازمند وجود ساختارهای متناسب در هر جامعه است. دوم آن که هدفی که در بسیاری از دولت‌ها مد نظر سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان قرار می‌گیرد، اتخاذ سیاست‌هایی است که منجر به افزایش مداوم درآمد سرانه حقیقی گردد. البته در این زمینه دانستن نوع سطح دولت (مرکزی یا محلی) که در رشد اقتصادی مشارکت دارند بسیار با اهمیت است.

تمرکززدایی ابعاد مختلفی در جنبه‌های سیاسی، اداری، جغرافیایی، مالی و اجرایی دارد، که کلیه ابعاد آن در سال‌های اخیر از یک روند جهانی برخوردار بوده است. هر چند کشورها در زمینه اجراء و گسترش تمرکززدایی مالی شیوه‌های مشابه و یکسانی را دنبال نکرده‌اند، اما تمرکززدایی را با واگذاری وظایف معین به دولت‌های محلی آغاز نموده‌اند.⁴ بررسی مطالعات اولیه مبانی نظری و تجربی تمرکززدایی مالی نشان می‌دهد، این رهیافت علاوه بر حوزه اقتصادی با حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و موقعیت جغرافیایی هر منطقه نیز ارتباط دارد. تمرکززدایی به‌عنوان یک سیاست انتقال به اقتصاد مبتنی بر بازار در وضعیت کنونی جهان امری ضروری معرفی شده است، به‌طوری‌که در جهت بهبود عملکرد اقتصاد کشورها در کنار سیاست‌های

۱. Martinze-Vazquez & McNab (۲۰۰۳)

۲. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

۳. Martinze-Vazquez & McNab (۲۰۰۳)

۴. Bahl & Linn (۱۹۹۲)

خصوصی‌سازی و آزادسازی، این سیاست نیز مورد توجه قرار گرفته است. سیاست تمرکززدایی همانند سایر سیاست‌های اقتصادی دولت، موافقان و مخالفانی دارد. موافقان معتقدند دولت‌های محلی اطلاعات بیشتری در مورد ترجیحات محلی دارند و می‌توانند تصمیمات مناسب‌تری جهت ارائه کالاها و خدمات عمومی محلی و تامین مالی آن اتخاذ نمایند. در حالی که مخالفان می‌گویند دولت مرکزی اطلاعات فنی بیشتری دارد. موافقان ادعا می‌کنند مقامات محلی بهتر می‌توانند تخصیص منابع را انجام دهند. حال آن‌که مخالفان تاکید دارند تمرکززدایی باز توزیع ثروت را از مناطق ثروتمند به مناطق محروم با مشکل مواجه خواهد نمود. تایلانت (1994)¹ به این نکته اشاره نموده است که امروزه دیگر مسئله این نیست که تمرکززدایی بایستی انجام شود یا خیر؟ بلکه مسئله این است که بهترین روش انجام تمرکززدایی در کشور چیست. با این وجود، بحث اصلی این است که چگونه باید تمرکززدایی صورت گیرد؟ چه روشی باید به کار گرفته شود؟ کدام وظایف باید به دولت‌های محلی منتقل شوند؟ چه کسانی و به چه میزانی باید این وظایف را بر عهده گیرند؟

2-1 توجیه و ضرورت انجام رساله

تمرکززدایی مالی طی سال‌های اخیر به صورت چشم‌گیری در برنامه‌های اقتصادی کشورها بخصوص کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است. کشورهای در حال توسعه و در حال گذار از ثبات و انعطاف‌پذیری کمتری در زمینه انتقال قدرت مالی به دولت‌های محلی برخوردارند. شواهد تجربی موجود² نشان می‌دهند که تمرکززدایی مالی به صورت قابل توجهی به رشد اقتصادی و افزایش کارایی در ارائه خدمات عمومی این کشورها کمک نموده است.

۱. Taillant (۱۹۹۴)

۲. Martinze-Vazquez & McNab (۲۰۰۳)

از میان هفتاد و پنج اقتصاد درحال توسعه و درحال گذار، بجز دوازده کشور، انتقال قدرت تصمیم‌گیری پیرامون درآمدها و مخارج را به دولت‌های محلی واگذار نموده‌اند.¹ تانزی(1996)²، داودی و زو(1998)³ "تمرکززدایی مالی"⁴ را به‌عنوان مهم‌ترین رهیافت بهبود کارایی مطرح نموده‌اند. فوکو ساکو و ملو(1996)⁵، این سیاست را مهم‌ترین عامل توسعه کشورهای درحال توسعه می‌دانند. زیرا در صورت اجرای صحیح، تمرکززدایی مالی می‌تواند ابزاری در جهت بهبود عملکرد مالی دولت در اقتصاد کلان و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی در کشورها تلقی شود. از دهه 1990 به بعد، نظام بازار و گسترش بخش خصوصی به تنهایی نتوانسته است پاسخ‌گوی نیازهای جامعه باشد.⁶ مطالعات تجربی نشان می‌دهد که حضور دولتی قوی ولی کوچک و پاسخ‌گو به عنوان مکمل و همراه بازار، مهم‌ترین عامل افزایش کارایی و رفاه جوامع است. تاکید این رساله بر "تمرکززدایی مالی" است که با مفاهیم تمرکززدایی جغرافیایی و اجرایی در تصمیم‌گیری دولت ارتباط دارد ولی با آن‌ها متفاوت است. به عبارت دیگر به منظور بهبود کیفیت مداخله و انجام بهتر وظایف اقتصادی دولت، تمرکززدایی مالی مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه مالی منظور از تمرکززدایی در حقیقت انتقال مدیریت منابع و انجام مخارج از دولت مرکزی به دولت‌های محلی و در نتیجه استقلال مالی آن‌ها است. در یک نظام غیرمتمرکز، انتظار می‌رود که دولت‌های محلی نسبت به سلیقه‌ها و نیازهای محلی پاسخ بهتری دهند و رقابت میان واحدهای محلی در ارائه کالاها و خدمات عمومی را افزایش دهد.

۱. Dillinger, w. (۱۹۹۴)

۲. Tanzi, V (۱۹۹۶)

۳. Davoodi, H & Zou, H (۱۹۹۸)

۴. Fiscal Decentralization

۵. Fukasaka & Mello (۱۹۹۶)

۶. Martinze-Vazquez & McNab (۲۰۰۳)

اوت (1999)^۱ نشان می‌دهد که چگونه کالاها و خدمات عمومی غیرمتمرکز، هزینه اجتماعی را در مقایسه با ارائه کالاها و خدمات متمرکز شده، کاهش می‌دهند. وی متذکر می‌شود که تمرکززدایی مالی از طریق افزایش در رقابت میان دولت‌های محلی سبب افزایش در رشداقتصادی می‌گردد. اجرای این سیاست از طریق افزایش بهره‌وری و کارایی عوامل تولید، سبب افزایش تولید خواهد شد.^۲ به نحوی که در ادبیات اقتصادی، اقتصاددانان، تمرکززدایی مالی را به عنوان موتور رشداقتصادی مدنظر قرارداده‌اند و در چارچوب الگوهای رشددرون‌زا به تجزیه و تحلیل فرآیند تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشداقتصادی پرداخته‌اند.

تاکید سندچشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی و همچنین برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر تمرکززدایی مالی، ضرورت انجام این طرح را ایجاب می‌نماید. تمرکززدایی مالی دولت در استان‌ها و چگونگی تامین مخارج استانی توسط درآمدهای استانی، پاسخ‌گویی بیشتر دولت‌های محلی به شهروندان در خصوص عملکرد مالی خود، کاهش ناکارآمدی دولت مرکزی و بالاخره کاهش کسری بودجه دولت مرکزی از موضوعات اساسی است که در سال‌های اخیر در اغلب کشورهای جهان به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه مورد توجه و تاکید فراوان قرار گرفته است.

ایجاد رابطه نزدیک اقتصادی بین دولت و مردم یکی از اهداف اصلی تمرکززدایی مالی است که تحقق این امر نیازمند تقویت اختیارات مالی دولت‌های محلی و کاهش نقش دولت مرکزی می‌باشد. یکی دیگر از اهداف تمرکززدایی مالی، کاهش نقش دولت مرکزی در عرضه و ارائه برخی از کالاها و خدمات عمومی از طریق واگذاری آن به دولت‌های غیرمتمرکز در سطوح استانی و محلی است که می‌تواند به کارایی بیشتر کالاها و خدمات منجر شود. در این حالت وظایف و فعالیت‌های دولت، بین دولت مرکزی به عنوان عامل اقتصادکلان و دولت‌های محلی به عنوان عوامل اقتصاد خرد تقسیم می‌شود.

۱. Oates (۱۹۹۹)

۲. Martinze-Vazquez & McNab (۲۰۰۳)

1-3 اهداف تحقیق

اهمیت تمرکززدایی مالی به دو دلیل مورد توجه قرار گرفته است. اول: تاکید و توجه بر تمرکززدایی به- عنوان نیروی محرکی که این باور گسترده را ایجاد نموده است که تمرکززدایی مالی یک ابزار مناسب برای افزایش کارایی هزینه‌های عمومی تلقی شود، دوم: اگر چه این امکان وجود دارد که احتمال مواجه با برخی معضلات ممکن هم‌چون عدم تعادل‌های مالی افقی¹ در دولت‌های ایالتی و بی‌ثباتی اقتصادی را در پی داشته باشد.

تمرکززدایی در کشورهای توسعه یافته صنعتی در مقایسه با کشورهای در حال توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است. هم‌چنین در میان کشورهای در حال توسعه، کشورهای در حال گذار در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه، در مجموع از درجه تمرکززدایی بیشتری برخوردارند. کشورهای در حال توسعه، مانند کشورهای در حال گذار نیز تمرکززدایی مالی را به‌عنوان موتور رشد اقتصادی در دستور کار خود قرار داده‌اند.² با توجه به این که انتقال مدیریت منابع مالی و انجام مخارج و هم‌چنین کسب درآمد از دولت مرکزی به دولت‌های محلی، از جمله عوامل اثرگذار بر عملکرد اقتصاد کلان است، می‌توان نتیجه گرفت که تمرکززدایی مالی می‌تواند یکی از عوامل تعیین کننده، رشد اقتصادی باشد.

با توجه به مطالب یادشده، هدف این رساله، بررسی و تعیین تاثیر شاخص‌های تمرکززدایی درآمدی و مخارج بر رشد اقتصادی است، که با استفاده از روش‌های برآورد الگوهای اقتصادسنجی جهت آزمون فرضیه اصلی و فرعی این تحقیق طی سال‌های (1379-1386) با استفاده از داده‌های تابلویی³ صورت می‌پذیرد. در این رساله هم‌چنین ارتباط شاخص‌های تمرکززدایی با یکدیگر و هم‌چنین تحلیل حساسیت رشد اقتصادی به شاخص‌های تمرکززدایی مالی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. horizontal fiscal imbalances

عدم تعادل مالی را می‌توان به دو گروه عدم تعادل مالی عمودی و افقی تقسیم نمود. عدم تعادل مالی عمودی، عدم تعادل در درآمد، یا مخارج بین سطوح مختلف دولت (استانی و مرکزی) را نشان می‌دهد. درحالی که عدم تعادل افقی، عدم تعادل در یک سطح معین دولت (بین استان‌ها) را اندازه‌گیری می‌کند.

۲. Martinze-Vazquez & McNab (۲۰۰۳)

۳. Panel Data

4-1 فرضیه‌های تحقیق

مهم‌ترین فرضیه‌ایی که در رساله حاضر مورد آزمون قرار می‌گیرد این است که:

تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشداقتصادی در استان‌های ایران مثبت است.

علاوه بر این، فرضیه‌های فرعی دیگری نیز به شرح زیر مورد آزمون آماری قرار گرفته‌اند، که عبارتند از:

1- بین شاخص‌های مختلف تعیین تمرکززدایی مالی همبستگی مثبت وجود دارد.

2- رابطه تمرکززدایی مالی و رشداقتصادی نسبت به نوع شاخص مورد استفاده تمرکززدایی، حساسیت

دارد.

5-1 روش تحقیق

1-5-1 روش جمع آوری اطلاعات و داده‌ها

داده‌های آماری مورد استفاده این رساله، به صورت داده‌های تابلویی (1379-1386) از منابع رسمی کشور

مانند سال‌نامه‌ی آماری استان‌های کشور طی دوره (1379-1386)، سال‌نامه‌ی آماری مرکز آمار ایران طی

دوره (1379-1386)، ترازنامه‌ی بانک مرکزی، آمارهای موجود در وزارت اموراقتصادی و دارایی و دفتر استان-

های معاونت نظارت و راهبردی ریاست جمهوری جمع‌آوری شده است.

2-5-1 حدود تحقیق:

محدوده مکانی رساله حاضر، اقتصاد ایران و دوره زمانی شامل سال‌های (1379-1386) است.

3-5-1 تکنیک تحقیق و روش تحلیل داده‌ها

در مطالعات انجام شده¹، تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشداقتصادی به صورت خطی برآورد شده است. در

این رساله ابتدا با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی داده‌های تابلویی خطی، آزمون‌های مربوط به تصریح مدل

صورت می‌گیرد، آن‌گاه با استفاده از تقریب خطی تابع غیرخطی، تاثیر ضرایب متغیر تمرکززدایی مالی بر

رشداقتصادی استان را با استفاده از شاخص‌های مختلف برآورد می‌نماییم. در ادامه با استفاده از الگوی

غیرخطی ارتباط شاخص‌های تمرکززدایی مالی و رشداقتصادی در ایران برآورد می‌کنیم.

¹ رجوع شود به مطالعات انجام شده در فصل دوم.

6-1 تعریف اصطلاحات

1-6-1 تعریف حکومت واحد (تک ساخت)¹ و فدرال: بحث تمرکز و عدم تمرکز در حوزه سیاسی، در

رابطه با انواع حکومت‌ها مطرح می‌شود.² اگر اقتدار حکومت در یک‌جا متمرکز باشد حکومت واحد و اگر میان مرکز و چند واحد محلی تقسیم شده باشد حکومت فدرال خواهد بود.

1-1-6-1 حکومت واحد: در حکومت واحد، یک حکومت مرکزی با اقتدار کامل وجود دارد. برای سهولت

ممکن است مدیریت کشور به چند واحد (استان، ناحیه و منطقه) تقسیم شده باشد، اما موجودیت و اختیارات آن‌ها به اراده و خواست مرکز وابسته است. مرکز هر زمان که بخواهد می‌تواند این واحدها را از بین ببرد و یا بنا به صلاحدید خود واحدهای جدیدی به جای آن‌ها ایجاد نماید.

فاینر³ دولت واحد را چنین تعریف نموده است: دولتی که در آن همه اختیارات و اقتدار در مرکز یگانه‌ای که اراده و کارگزاران آن به طور قانونی در سراسر کشور حضور دارد، قرار داده شده است. به عقیده ویلویی⁴، در شکل واحد حکومت، کلیه اختیارات حکومت در وهله نخست به یک حکومت مرکزی واگذار شده است و این حکومت آزادی کامل دارد تا بنا به صلاحدید خود آن اختیارات را در تقسیمات کشوری توزیع نماید.

به گفته استرانگ⁵ " دولت تک ساخت دارای یک حکومت مرکزی سازمان یافته است؛ همه اختیارات ناحیه‌های گوناگون یک کشور تحت اراده حکومت مرکزی است و قدرت مرکزی بدون آنکه در نتیجه واگذاری اختیارات ویژه به ناحیه‌ها، به طور قانونی محدود شده باشد، در سراسر کشور برتری دارد". گارنر⁶ معتقد است "هر جا که بنا به قانون اساسی همه اختیارات حکومت به یک یا چند ارگان مرکزی واگذار شده و حکومت-های محلی همه اقتدار خود مختاری و در واقع موجودیتشان را از آن بگیرند، نظام حکومت واحد خواهد بود". تحلیل این تعاریف نشان می‌دهد که در حکومت واحد، حکومت مرکزی دارای اختیارات کامل است و یکپارچگی دولت را حفظ می‌کند. واحدها فقط کارگزاری تابع مرکز می‌باشند که بنا به خواست و صلاحدید حکومت مرکزی ایجاد شده‌اند و بنا به مقتضیات اداری، ممکن است اختیارات معینی به آن‌ها واگذار شده

¹. Unitary Government

². عالم، عبدالرحمن (1377).

³. Finer

⁴. Willoughby

⁵. Strong

⁶. Ganer

باشد. برای مثال، در انگلستان، مقامات محلی کاملاً قدرتمند هستند، اما قدرتشان از مرکز سرچشمه می‌گیرد و ممکن است از آن‌ها سلب شود. انگلستان، فرانسه، ایتالیا، بلژیک، ژاپن و ایران نمونه‌هایی از حکومت تک ساخت هستند. از مزایای حکومت واحد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

سهولت سازماندهی، انعطاف‌پذیری زیاد، عدم تلاقی یا تضاد سیاست‌ها، توانمندی‌های سیاسی داخلی و خارجی و مناسب برای کشورهای کوچک.

از معایب این حکومت می‌توان به این موارد اشاره داشت: از بین رفتن ابتکار و نوآوری‌های محلی، خودکامگی مرکزی و عدم صلاحیت دولت مرکزی نسبت به مسائل منطقه.

1-6-1-2 حکومت فدرال: الف- فدرالیسم به معنی وسیع کلمه عبارت است از: قواعد کلی اصلاح روابط

اجتماعی. نظم اجتماعی هر می از قراردادها است و سیستم فدرالیسم قراردادی سیاسی است. چنین سازمانی امحای دولت را تسهیل خواهد کرد و دولت فقط در موارد مشخص و معینی که در قرارداد سیاسی پیش‌بینی شده است به کار گرفته خواهد شد. در این حالت دولت پدیده‌ای ثانوی است نه حاکم.

ب- معنای دیگر فدرالیسم عبارت است از شیوه خاص برای اصلاح دولت که به یک تعبیر، روش گردآوری دولت‌های مختلف در دولتی فدرال و به تعبیری شیوه‌ی پراکندگی قدرت دولتی واحد در حکومت‌های محلی گوناگون است.

1-6-2 تمرکززدایی از دیدگاه حقوقی¹: دولت‌ها از نظر ماهیت اعمال قدرت، به استبدادی و

دموکراسی و از نظر ساختار به بسیط و مرکب تقسیم می‌شوند.

1- دولت بسیط به دولتی گفته می‌شود که با مرکزیت سیاسی واحد، به صورت یکپارچه مبتنی بر وحدت

عناصر (تشکیلات، جمعیت و سرزمین واحد) با شخصیت حقوقی واحد و قانون اساسی واحد اداره می‌شود. در این دولت‌ها (با حفظ قدرت مرکزی و وحدت و تمامیت کشور) با توجه به حدود و یا وسعت جغرافیایی، ویژگی‌های محلی و پراکندگی‌های خاص (فرهنگی، نژادی، قومی و یا مذهبی) ممکن است به سبک متمرکز، عدم تراکم و یا غیرمتمرکز جغرافیایی اعمال قدرت شود.

¹. قاضی، ابوالفضل (1368).

2- دولت مرکب مشتمل بر حاکمیت‌های پراکنده‌ای است که در آن چند دولت (با قوانین اساسی متعدد) بنا به مصالح، مقتضیات و یا دلایل خاص، با ایجاد رابطه‌ی مشخص، مبادرت به تشکیل دولت و یا نهاد مرکزی (با قانون اساسی خاص) نموده و پاره‌ای از مراتب حاکمیت را به آن واگذار می‌نمایند. با توجه به تقسیمات مذکور، جمهوری اسلامی ایران در ردیف دولت‌های بسیط قرار می‌گیرد که دارای حاکمیت واحد سیاسی است، اما به عنوان یک دولت پهناور به شیوه‌ی عدم تراکم¹ و تا حدودی غیر متمرکز اداره می‌شود.

¹. ابتدایی‌ترین فرم تمرکززدایی است که بخشی از اختیارات و مسئولیت‌های به سطوح پایین وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی واگذار می‌شود.

1-6-3 سطوح فعالیت دولت

فعالیت‌های اقتصادی دولت که در عملکرد اقتصاد بخش عمومی هر کشور ظاهر می‌شود در سطوح مختلف دولت‌های مرکزی، ایالتی و محلی انجام می‌پذیرد. بر طبق این تعریف، در اقتصاد ایران بخش عمومی طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی را شامل می‌شود که در برگیرنده‌ی دولت مرکزی، دولت استانی، شهرداری‌ها، سازمان‌های تأمین اجتماعی، شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و نهادهای عمومی غیردولتی است.

1-3-6-1 دولت عمومی^۱

دولت عمومی، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، شرکت‌های دولتی یا شبه‌دولتی و مؤسسات غیرانتفاعی غیر بازاری که به‌طور عمده از بودجه بخش عمومی تأمین مالی می‌شوند را در بر می‌گیرد. اغلب در نظام آمارهای مالی دولت، سه سطح از دولت در نظر گرفته می‌شود: مرکزی، ایالتی و محلی. در حالی که در برخی از کشورها تنها دولت مرکزی به همراه یک سطح پایین‌تر وجود دارد. علاوه بر سطوح دولت، صندوق‌های تأمین اجتماعی به‌واسطه نقشی که در سیاست مالی دارند، به عنوان زیر بخش مجزایی از دولت عمومی در نظر گرفته می‌شوند. در ادامه به تشریح، زیر بخش‌های دولت عمومی پرداخته می‌شود.

1-3-6-1-1 دولت مرکزی

حاکمیت سیاسی دولت مرکزی یک کشور بر تمام قلمرو کشور گسترده است. دولت مرکزی می‌تواند برای کلیه واحدهای اقتصادی فعال در کشور، مالیات وضع نماید. دولت مرکزی نسبت به تأمین و ارائه خدمات جمعی در جهت منافع کلی جامعه مانند دفاع ملی، روابط خارجی، نظم و امنیت عمومی اقدام نماید. به‌علاوه، دولت مرکزی ممکن است مخارجی برای تأمین هزینه‌های خدمات آموزشی و بهداشتی انجام دهد و یا به واحدها و نهادهای دیگر، در سطوح مختلف دولت پرداخت‌های انتقالی انجام دهد. دولت مرکزی مجری سیاست‌های مالی کنترل تورم یا ضدتورم در اقتصاد می‌باشد و تنها سطحی از دولت است که بدنه سیاست‌گذاری آن می‌تواند سیاست‌هایی در جهت مقاصد ملی تدوین و اجرا کند. در اکثر کشورها، دولت

۱. General Government